

تعمیل کرده‌اند و در شکست فرهنگی و فروپاشی ایدئولوژیک آن، نقش به راستی تعیین کننده‌ای داشته‌اند. شمار شرکت‌کنندگان در این نافرمانی‌ها هرگز از چند میلیون نفر کمتر نبوده است. بنابراین، نافرمانی مدنی در ذهنیت امروزی مردم ایران، تجربه بسیار شناخته شده و فعالی است. مسأله سازماندهی نافرمانی مدنی، اکنون، آگاهانه‌تر، سازمان یافته‌تر، و سیاسی‌تر کردن این تجربه فعال و گستراندن آن به عرصه‌های دیگر زندگی است.

دومین دلیل مساعد بودن فضای امروزی ایران برای گسترش نافرمانی توده‌ای، وجود خود جمهوری اسلامی است. فراموش نباید کرد که جمهوری اسلامی یک استبداد متعارفی نیست، بلکه یک دولت مذهبی است که در کنار خشن‌ترین سرکوب‌های سیاسی، گسترده‌ترین سرکوب‌های فرهنگی را سازمان می‌دهد. حقیقت این است که جمهوری اسلامی بدون اعمال پی‌گیر نوعی توتالیتریزم فرهنگی نمی‌تواند به موجودیت خودش ادامه بدهد. به این ترتیب، ما با حکومتی رو به رو هستیم که فقط مخالفان سیاسی‌اش را سرکوب نمی‌کند، بلکه می‌کوشد در خصوصی‌ترین جنبه‌های زندگی مردم مداخله کند. چنین حکومتی فرصت‌های بی‌شماری برای نافرمانی مدنی و مخصوصاً توده‌گیر شدن آن به دست می‌دهد.*

پانویس‌ها:

۱- کنگره چهارم سازمان ما، در آخرین روزهای تیر ماه ۱۳۷۸، در قطعنامه اصلی خود، بر ضرورت استفاده از نافرمانی مدنی به عنوان «بهترین راه گسترش جنبش توده‌ای» در مرحله انتقال به رویارویی مستقیم مردم با ولایت فقیه، تأکید نمود و یادآوری کرد که «تنها از طریق گستراندن هر چه وسیع مقاومت است که می‌توان شدت سرکوب را کاهش داد. از این طریق است که مردم می‌توانند امکانات تمام نشدنی خودشان و پوشالی بودن رژیم را دریابند».

۲- مثلاً Encyclopedia Americana در زیر عنوان Civil disobedience، آن را تقریباً معادل «مقاومت منفی» (Passive resistance) می‌داند.

۳- تصادفی نیست که در همان «موعظه بالای کوه» گفته می‌شود: «با مدعی خود، تا در راه هستی صلح کن، مبدا مدعی، تو را به قاضی سپارد و قاضی، تو را به داروغه تسلیم کند و در زندان افکنده شوی. هر آینه به تو می‌گویم، تا فلس آخر را نپردازی از آنجا بیرون نخواهی آمد». نگاه کنید به انجیل متی، فصل پنجم، ترجمه فارسی کتاب مقدس.

۴- برای توصیفی مؤثر - و ضمناً دم دست در زبان فارسی - از این نوع مقاومت‌ها، نگاه کنید به «خاموشی دریا» اثر وروکور، ترجمه حسن شهید نورایی، که صحنه‌های گریایی از مقاومت منفی مردم فرانسه در مقابل اشغالگران را به صورت یک داستان عرضه می‌کند.

۵- نگاه کنید به: B. Bailyn: The Origins of American Politics, New York, 1968

۶- درباره این دوره از تاریخ امریکا، نگاه کنید به:

P.N. Carroll, m D.W. Noble: The Free and the Unfree, London, 1980, P.183-209

۷- به نقل از: Louis Fischer: The Life of Mahatma Gandhi, London, 1997

ضمناً باید توجه داشت که گاندی هنگامی که مبارزات خود را در افریقای جنوبی آغاز کرد، هنوز نوشته‌های ثورورا نخوانده بود. او خود در نامه‌ای به ظ‌شجرت‌مت، در ۱۰ سپتامبر

۱۹۳۵، به این نکته صراحت داده است.

۸- نگاه کنید به:

B. Chandra: India's Struggle for Independence, London, 1989, P. 184-196

و در باره نظر نهرود درباره گاندی نگاه کنید به «اتوبیوگرافی» او که در سال ۱۹۳۵ نوشته شده و تحت عنوان «زندگی من» به فارسی ترجمه شده است.

۹- نگاه کنید به: Collier's Encyclopedia در زیر عنوان Civil Disobedience

۱۰- B. Muse: the American Negro Revolution: From Non-Violence to Black Power, New York, 1971

۱۱- مارتین لوتر کینگ، خود تأکید داشت که با خواندن آثار گاندی، نافرمانی مدنی را کشف کرده است. نگاه کنید به: The Autobiography of M.L. King, Ed. C. Carson, London, 2000

۱۲- نگاه کنید به منبع یاد شده در شماره ۶

۱۳- باید توجه داشت که خفقان سیاسی با سرکوب سیاسی مترادف نیست. در شرایط خفقان سیاسی، مردم منفعل و مرعوب هستند، بی آن که ضرورتاً سرکوب علنی گسترده‌ای وجود داشته باشد، اما در شرایط سرکوب، مردم فعال و برانگیخته‌اند و حکومت را به چالش می‌طلبند و درست به همین دلیل است که حکومت برای حفظ موجودیت‌اش، به سرکوب علنی گسترده روی می‌آورد. در دوره‌های برانگیختگی توده‌ای مردم علیه حکومت‌های خودکامه، عموماً سرکوب علنی گسترده می‌شود و حتی در ابعادی واقعاً توده‌ای علیه مردم به کار گرفته می‌شود.

۱۴- عین سخنان لنین، از مقاله «جنگ چریکی»، کلیات آثار، ج ۱۱، ص ۱۴-۲۱۳، ترجمه انگلیسی.

۱۵- لنین - در همان مقاله «جنگ چریکی» - ضمن دفاع قاطع از به کارگیری جنگ چریکی تحت شرایطی، می‌پذیرد که مبارزه چریکی می‌تواند سازمان یابی کارگران را مختل سازد و آنها را با لومپن‌ها در آمیزد.

۱۶- من در اینجا مجلس خبرگان رهبری را عمداً به حساب نمی‌آورم، زیرا این مجلس هر چند به ظاهر جزو نهادهای حکومتی انتخابی است؛ ولی در عمل، ادامه اصل ولایت فقیه است و حساس‌تر از آن که روحانیت حاکم بتواند بازی انتخابات را در تعیین ترکیب آن تحمل کند. به عبارت دیگر، می‌خواهم بگویم پیروزی مخالفان ولی فقیه حاکم در انتخابات مجلس خبرگان رهبری، عملاً بسیار دشوار و حتی ناممکن است.

* شکل‌گیری نافرمانی مدنی و موفقیت آن، مانند هر اقدام

جمعی سیاسی دیگر، نیازمند شرایط و لوازمی است که پرداختن به آنها این مقاله را از حد مجاز مطول‌تر می‌ساخت. در این باره، مراجعه به گنجینه تجارب عملی گوناگون نافرمانی مدنی، مخصوصاً در شرایط سرکوب و بی‌حقی عمومی می‌تواند بسیار آموزنده باشد. حالا یکی از دم دست‌ترین راه‌ها برای این کار، مخصوصاً در داخل ایران، اینترنت است. در هر حال، تجارب شکل‌گیری و تکامل این شیوه مبارزه در جنبش استقلال‌هند و جنبش ضد آپارتاید افریقای جنوبی از دهه ۱۹۶۰ به بعد، و تا حدی، تجربه «جنبش حقوق مدنی» در ایالت‌های جنوبی امریکا، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.